

دکتر کامران طارمی*

صادرات آب ایران به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس: انگیزه‌ها، تجربه‌ها و چشم‌اندازها**

چکیده:

در طول چهارده سال گذشته ایران تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و مداومی را برای به دست آوردن بخشی از بازار آب کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به عمل آورده است. این امر سؤال‌های متعددی را در مورد انگیزه‌ها، اهداف، و علل شکست و موفقیت‌های این تلاش‌ها بر می‌انگیزد. این نوشتار کوششی است برای پاسخ دادن به این سؤال‌ها. در رابطه با انگیزه‌ها و اهداف سعی شده است نشان داده شود که آنها عمدتاً با انگیزه‌های سیاسی صورت گرفته است و نه اقتصادی. در ارتباط با علل شکست مذاکرات با قطر و موفقیت آن با کویت نشان داده شده است که دلیل اصلی عدم توافق با قطر مشارکت ندادن عناصر ذی‌نفوذ و علت موفقیت در مذاکرات با کویت شرکت دادن این عناصر بوده است. در مورد به درازا کشیده شدن مذاکرات با کویت نیز نشان داده شده است که علت این امر نگرانی‌های دولت از وضعیت داخلی کشور بوده است.

واژگان کلیدی:

ایران، شورای همکاری خلیج فارس، صادرات آب، قطر، کویت، کارون، کرخه، کالاهای استراتژیک شرکت گلف یوتیلیتیز، شرکت سرمایه‌گذاری نیرو

* - استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتشر شده است:

«بررسی ریشه‌های پیدایش رابطه حامی - پیرو میان آمریکا و عربستان در دوران جنگ جهانی دوم»، سال ۷۸، شماره ۴۵؛ «تحلیلی بر سیاست‌های امنیت ملی ایران در قبال منطقه خاورمیانه در دوران حکومت محمدرضا پهلوی ۱۹۷۲-۱۹۶۲»، سال ۷۹، شماره ۴۹ - «تحلیل بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران»، سال ۸۲، شماره ۵۹ - «تحلیلی بر نقش گروه‌های معارض کرد در روابط ایران و عراق در عصر پهلوی، ۱۹۷۹-۱۹۲۱»، سال ۸۲، شماره ۶۱.

** - این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی است و نویسنده لازم می‌داند از دانشگاه تهران برای تأمین هزینه‌های مالی اجرای آن سپاسگزاری و قدردانی نماید.

کمبود شدید آب یکی از مشکلات حادی است که فراروی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار دارد. از دیدگاه عرضه، سطح نازل بارش و فقدان دریاچه‌ها و سیستم‌های رودخانه‌ای کمبود آب را به یکی از ویژگی‌های تعریف کننده شبه جزیره عربستان که کشورهای عضو شورا را در خود جای می‌دهد تبدیل ساخته است. منابع طبیعی آب محدود به سفره‌های آب زیرزمینی است که در اعماق زمین قرار دارند و نیز سیلاب‌های ناگهانی که بر اثر بارش شدید اما کوتاه باران راه می‌افتند. گرچه در کنار اینها، ذخایر قابل ملاحظه‌ای از آب‌های فسیلی نیز که در سازندهای رسوبی عمیق به دام افتاده‌اند وجود دارند ولی مشکل این ذخایر آن است که تجدیدنابذیرند. علی‌رغم آنکه تکنولوژی نوین کشورهای عضو شورا را قادر ساخته است تا بتوانند با استفاده از دستگاه‌های آب شیرین کن آب دریا را به آب شیرین تبدیل کنند ولی آب شربتی که از این راه به دست می‌آید گران است.^(۱) از دیدگاه تقاضا، وضعیت از این نیز وخیم‌تر است. کشف ذخایر عظیمی از نفت و گاز در زیر شن‌های شبه جزیره عربستان سبب رشد جمعیت، توسعه اقتصادی، و افزایش سطح زندگی گشته است. همه این عوامل دست به دست هم داده‌اند تا تقاضا برای آب را افزایش دهند. سیاست‌های آبی نادرست اتخاذ شده از سوی کشورهای عضو شورا نیز در تشدید مشکلات نقش داشته‌اند. یک نمونه از آنها تشویق بی‌حد و مرز تقاضا از طریق ایجاد یک سیستم رفاهی پدر سالارانه بوده است که بر اساس آن دولت بسیاری از خدمات عمومی مثل آب را به قیمت اندک در اختیار مصرف‌کنندگان قرار داده است. نمونه دیگر تشویق کشاورزی تحت لوای رسیدن به امنیت غذایی است. در نتیجه، تقاضا برای آب نامحدود و ناپایدار گشته است. (Abdulrazzak, 2001, pp.106-110)

در حالی که در شبه جزیره عربستان کمبود آب یک مشکل جدی است، ایران در آن سوی خلیج فارس از منابع آب غنی‌تری برخوردار است. گرچه همان‌طور که ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهند ایران به هیچ روی کشوری نیست که از نظر ذخایر آبی غنی باشد. تفاوت بین ایران و کشورهای عضو شورا از لحاظ دسترسی به منابع آب آن قدر قابل ملاحظه است که صادرات آب را به‌گزینه‌ای در خور تفکر و تأمل برای ایران تبدیل سازد. این موضوع به خصوص هنگامی قابل تأمل‌تر می‌شود که بدانیم روخانه‌های عمده ایران - کارون، دز، کرخه و جراحی - که می‌توانند آب لازم برای صادرات را فراهم کنند در جنوب غربی کشور در نزدیکی شبه جزیره

۱- آ. د. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نگاه کنید به:

جدول ۱. میزان آب در دسترس در منطقه خلیج فارس

تراکم جمعیت در ۲۰۰۰ سال (ubg/m ²)	جمعیت در سال (1000 inh)	مساحت سرزمین (km ²)	درصد وابستگی (%)	کل منابع آب: تجدیدپذیر و سرانه (m ³ /capita year)	کل منابع آب: تجدیدپذیر و سرانه (km ³ /year)*	آبهای سطحی و زیرزمینی (km ³ /year) ^۴	آبهای سطحی: داخل کشور قرار دارد (km ³ /year) ^۳	آبهای زیرزمینی: داخل کشور قرار دارد (km ³ /year) ^۲	کل منابع آب تجدیدپذیر (km ³ /year) ^۱	کشور
۴۳	۷۰۳۳۰	۱۶۲۲۰۰۰	۷	۱۸۵۵	۱۳۷/۵۱	۱۸۱۰	۹۷/۳۰	۴۸/۳۰	۱۲۸/۵۰	ایران
۱۲	۲۵۳۸	۲۱۲۴۶۰	۰	۳۸۸	۰/۸۹	۰/۸۰	۰/۸۳	۰/۹۶	۰/۸۹	عمان
۹۲۸	۶۶۰	۶۹۰	۹۷	۱۸۱	۰/۱۲	۰/۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰۴	بحرین
۹	۲۰۳۴۶	۲۱۴۸۶۸۰	۰	۱۱۸	۲/۴۰	۲/۰۰	۲/۲۰	۲/۲۰	۲/۴	عربستان سعودی
۵۱	۵۶۵	۱۱۰۰۰	۴	۹۴	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۵	۰/۰۵	قطر
۳۱	۲۶۰۶	۸۳۶۰۰	۰	۵۸	۰/۱۵	۰/۱۲	۰/۱۵	۰/۱۲	۰/۱۵	امارات متحده عربی
۱۰۷	۱۹۱۴	۱۷۸۲۰	۱۰۰	۱۰	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	کویت

1, 2, 3, 4. * Aggregate of data can only be done for internal renewable water resources and not the total renewable water resources because that would result in double counting of shared water resources.

Sources: Water resources: FAO: AQUASTAT 2002; land and population: FAOSTAT, except for the United States (Conterminous, Alaska, and Hawaii); US Census Bureau.

عربستان قرار گرفته‌اند. در واقع، این منطقه که تقریباً در درون مرزهای استان خوزستان قرار می‌گیرد یک سوم تمام منابع آبی ایران را در خود جای می‌دهد. (حیات نو، ۱۶ مرداد ۱۳۸۱، ص ۵)

مسئولین کشور معتقدند که این روخانه‌ها به ایران اجازه می‌دهند سالانه ۲ میلیون مترمکعب آب به کشورهای عضو شورای همکاری صادر نماید.^(۱) به همین علت بود که در سال ۱۹۸۸ ایران وارد مذاکرات با امیرنشین قطر برای صادرات آب به این کشور گردید. در سال ۱۹۹۹ پس از شکست گفتگوها با قطر، ایران و کویت شروع به مذاکره برای تأمین بخشی از نیازهای آبی این کشور نمودند. در ماه دسامبر ۲۰۰۳ این مذاکرات منجر به امضای توافق‌نامه‌ای شد که بر اساس آن دولت ایران تعهد نمود که به مدت ۳۰ سال هر ساله ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب به این کشور صادر نماید. (پیام نیرو، شماره ۱۰۱، آذر ۱۳۸۲، ص ۱۷) هم اکنون مذاکراتی نیز با عربستان سعودی برای صادرات آب به این کشور در حال انجام است.

تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و مداوم ایران در طول چهارده سال گذشته برای به دست آوردن بخشی از بازار آب کشورهای عضو شورا سؤال‌های متعددی را برمی‌انگیزد: آیا این تلاش‌ها چنانکه در وهله اول به نظر می‌رسد عمدتاً با انگیزه‌های اقتصادی صورت می‌گیرند یا با انگیزه‌های سیاسی؟ در چارچوب الگوی کلی سیاست خاجی ایران در قبال کشورهای عضو شورا صادرات آب چه هدفی را تعقیب می‌کند؟ چرا نزدیک به یک دهه مذاکرات ایران و قطر بر سر تأمین آب به شکست انجامید در صورتی که مذاکرات با کویت در طول مدت نسبتاً کوتاهی به نتیجه رسید؟ و چرا ایران به تقاضاهای مکرر کویت برای اتمام مذاکرات و امضاء قرارداد به آهستگی پاسخ داد؟

تا آنجا که به انگیزه‌ها برمی‌گردد این مقاله سعی می‌کند تا نشان دهد با توجه به اینکه یکی از ارکان سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی محور نفوذ آمریکا در خلیج فارس و شکست سیاست منزوی سازی و مهار ایران از سوی واشنگتن بوده است. در این راستا در دوره پس از جنگ تحمیلی دولت ایران تلاش کرده است که روابط خود را با کشورهای عضو شورا بهبود بخشد. برای نیل به این مقصود ایران از ابزارهای گوناگونی من جمله صادرات آب استفاده کرده

۱- اظهارات آقای بیطرف وزیر نیرو در طی سخنرانی‌اشان در

The eighth session of the Euro-Arab Center for Studies entitled "The Security of Arab Waters", held in Cairo, Egypt in 2000.

نقل شده در: پیام نیرو، شماره ۵۶، اسفند ۱۳۷۸، ص ۲۲. اظهارات مشابهی نیز توسط آقای مهندس رسول زرگر معاون وقت وزیر نیرو در امور آب در مصاحبه با روزنامه‌ها صورت گرفت. خراسان، ۲۳ اسفند ۱۳۷۹، ص ۵.

است. دولت ایران امیدوار است با وابسته ساختن کشورهای عضو شورا برای تأمین یک کالای استراتژیک (آب) به ایران از تمایل و توانایی آنها برای همکاری با آمریکا بر علیه خود بکاهد. به این ترتیب، نشان داده می‌شود که انگیزه‌های مسئولین کشور از اهتمام به صادرات آب عمدتاً سیاسی بوده است نه اقتصاد. در ارتباط با دلایل شکست مذاکرات با قطر و موفقیت‌آمیز بودن آنها با کویت تلاش می‌شود نشان داده شود علت عدم توافق با قطر در نظر نگرفتن منافع بازیگران با نفوذ در صحنه سیاسی و اقتصادی قطر بود. ولی مذاکرات با کویت به نتیجه رسید زیرا منافع عوامل ذی‌نفوذ داخلی و خارجی در این کشور لحاظ گردید. در خاتمه در تبیین دلایل واکنش آهسته ایران به درخواست‌های کویت برای امضاء سریع تر قرارداد این‌گونه استدلال می‌شود که بروز خشکسالی در نقاط مختلف کشور و نگرانی نسبت به پیامدهای داخلی چنین تصمیمی عامل اصلی به تعویق انداختن امضای قرارداد از سوی ایران بود.

این مقاله با ارائه تصویری کلی از روابط جمهوری اسلامی ایران با اعضای شورای همکاری خلیج فارس آغاز می‌شود. هدف آن است که نشان داده شود چگونه سیاست خاجی ایران در قبال این کشورها از تلاش برای سرنگونیشان به سمت کوشش جهت ایجاد روابط دوستانه تغییر جهت داد تا سیاست آمریکا برای مهار ایران را ناکام سازد. سپس دلایل عدم توافق ایران با قطر و موفقیت مذاکرات با کویت مورد بحث قرار می‌گیرد. به دنبال آن دلایل به درازا کشیده شدن مذاکرات ایران و کویت مورد کند و کاش واقع می‌شود.

انگیزه‌های ایران در صادرات آب به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

روابط ایران و شورای همکاری در دوران حکومت شاه

برای فهم اینکه چرا بیش از یک دهه است که ایران تلاش نموده تا بخشی از نیازهای آبی کشورهای عضو شورا را تأمین نماید لازم است روابط ایران و شورای همکاری که تعاملات بر سر آب تنها جزء کوچکی از آن را تشکیل می‌دهد درک شود. این نیز به نوبه خود بدون درک سابقه تاریخی این روابط و عوامل بین‌الملل، منطقه‌ای و داخلی که بر آن اثر گذاشته‌اند ممکن نیست. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی اتحاد سیاسی نزدیکی بین ایران و کشورهای عضو شورا شکل گرفته بود. این اتحاد مبتنی بر پایه‌های استواری از علائق و نگرانی‌های مشترک بود. مهم‌ترین عامل وحدت دو طرف گرایشات مشابه آنها در روابط بین‌الملل بود. در دوران جنگ

سرد دولت‌های محافظه کار حاکم بر دو سوی خلیج فارس به کمونیسم و ناسیونالیسم رادیکال عربی به چشم خطری مرگبار برای تداوم حیات سیاسی خود می‌نگریستند. این امر بدین معنا نیز بود که طرفین با عراق دوران جمهوریت که روابط نزدیکی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای رادیکال عرب نظیر مصر و یمن جنوبی داشت مخالف بودند. برای مقابله با این تهدیدات ایران و کشورهای عضو شورا از یک سو با یکدیگر و از سوی دیگر با آمریکا یک اتحاد غیررسمی تشکیل دادند. اعلام دکترین نیکسون (۱۹۷۹-۱۹۷۱) که حفاظت از منابع حیاتی غرب من جمله امنیت کشورهای نفتی خلیج فارس را به ایران سپرد^(۱) در تقویت بیشتر این اتحاد سه‌جانبه مؤثر بود. این بدان معنی نیست که روابط ایران و شورا به دور از هر نوع اختلافی بود، مسلماً تنش‌هایی نیز وجود داشت ولی میزان آنها در مقایسه با آنچه طرفین را به یکدیگر پیوند می‌داد ناچیز می‌نمود. به این ترتیب خلیج فارس تحت سیطره شبکه‌ای از اتحادها قرار داشت که ایران، شورای همکاری و آمریکا را بر علیه عراق و شوروی به یکدیگر پیوند داده بود.^(۲) در سطح منطقه‌ای، هر دو طرف علاقه‌مند به حفظ و تضمین امنیت خلیج فارس بودند زیرا حیات اقتصادی آنها وابسته به ذخایر ارزشمند نفت و گاز موجود در آن بود. بعضی از این ذخایر در دو طرف مرزهای ایران و کشورهای عضو شورا قرار داشتند و به‌طور مشترک مورد بهره‌برداری واقع می‌شدند. خلیج فارس همچنین اهمیت حیاتی برای صادرات نفت و به‌طور کلی تجارت خارجی طرفین داشت. بنابراین، هر دو طرف برای حفظ امنیت آن همکاری می‌نمودند. عضویت طرفین در سازمان اوپک نیز یکی دیگر از حلقه‌های مهم اتصال آن دو به یکدیگر برای هماهنگ سازی سیاست‌های نفتی ایشان بود. در سطح داخلی نیز رژیم‌های محافظه کار و سلطنتی حاکم بر شمال و جنوب خلیج فارس دارای استدراک خطر مشابهی در قبال تهدیدات داخلی بودند.

روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس از زمان پیروزی انقلاب تا زمان پایان

جنگ تحمیلی

پیروزی انقلاب اسلامی در فوریه سال ۱۹۷۹ الگوی روابطی را که در بالا توصیف شد از

۱- برای یک بحث عالی در مورد دکترین نیکسون و نقش ایران در آن نگاه کنید به: (Acharya, 1989, chapter 2)

۲- برای آشنایی بیشتر با روابط روسیه و عراق در این دوره نگاه کنید به: (Shemesh, 1992, Chapters, 1, 2, 3 and 4).

بنیان تغییر داد. دو علت اساسی برای این تحول وجود داشت. اولین و مهم‌ترین آنها خصومت شدید نظام جمهوری اسلامی نسبت به ایالات متحده و دلیل دوم تمایل دولت جدید برای تسلط بر خلیج فارس بود. امام خمینی معتقد بودند که ایالات متحده دشمن اصلی اسلام است.^(۱) به کشورهای عضو شورا نیز به سبب اتحاد نزدیکشان به آمریکا به عنوان بخشی از اردوگاه دشمن نگاه می‌شد. از دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی رژیم‌های این کشورها به اسلام نیز پای بند نبودند و اسلامی که آنها در این کشورها ترویج می‌نمودند قلب شده، آمیخته با فساد و انحرافی بود. نظرات مشابهی نیز در مورد رژیم بعثی عراق وجود داشت و این رژیم به عنوان معاند با اسلام و سرکوبگر مردم به خصوص اکثریت شیعیان این کشور انگاشته می‌شد. (خمینی، ۱۳۶۲، صص ۵۷، ۶۲، ۶۹، ۷۴-۷۲)

در این دوره تجربه تاریخی ایران نیز در شکل‌دهی به سیاست خارجی کشور نقش داشت. حضور استعمار در خلیج فارس که با آمدن پرتغالی‌ها در اوایل قرن شانزدهم آغاز گشت با دست‌اندازی به حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و آسیب به منافع تجاری ایران همراه بود. این دست‌اندازی تا آنجا پیش رفت که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از استقلال سیاسی ایران جز نامی باقی نماند. (Hunter, 1991, p. 36) در این چارچوب انقلاب اسلامی همان‌قدر که بر علیه استبداد شاهی بود بر ضد قدرت‌های خارجی نیز بود که از دیدگاه انقلابیون خاندان پهلوی را بر ایران تحمیل نموده بودند. بنابراین رهبری جدید کشور مصمم بود که نفوذ خارجی را از خلیج فارس برچیند. لازمه این امر ساقط کردن رژیم‌های حاکم بر کشورهای عضو شورای همکاری بود که از دیدگاه رهبران انقلاب اسباب تداوم سلطه آمریکا بر منطقه بودند. (خمینی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۸، ص ۱۷۰)

تمایل نظام اسلامی به تسلط بر خلیج فارس عامل دیگری در شکل دادن به سیاست خارجی ایران بود. از دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی ایران از تمام ویژگی‌های لازم برای تبدیل شدن به قدرت غالب در خلیج فارس بهره‌مند بود. ایران قوی‌ترین ارتش منطقه را در اختیار داشت. تولید ناخالص ملی آن پس از عربستان سعودی بیشتر از سایر کشورهای خلیج فارس بود (The World Bank, 2001, pp. 12-14) و از لحاظ صنعتی پیشرفته‌تر از سایر کشورهای منطقه بود. جمعیت ایران نیز بسیار بیش از سایر کشورهای خلیج فارس بود. (The World Bank, 2001, pp. 14-12)

۱- برای یک بررسی همه‌جانبه از دیدگاه‌های امام خمینی نگاه کنید به:

(Hunter, 1990, Rajaei, 1983)

نظر جغرافیایی تمام سواحل شمالی خلیج فارس در قلمرو ایران قرار داشت. شمال تنگه هرمز نیز جزء خاک ایران محسوب می‌شد. این امر و وجود جزایر متعدد در حوالی تنگه به ایران اجازه می‌داد تا این تنگه استراتژیک را کنترل کند. از دیدگاه زعمای کشور تنها مانع بر سر راه تسلط ایران بر خلیج فارس وجود نیروهای آمریکایی بود که رهبران ایران مصمم به حذف آن بودند.

این دیدگاه منجر به این شد که ایران اسلامی مواضع بسیار خصمانه‌ای در قبال ایالات متحده و کشورهای عضو شورا اتخاذ نماید. در حالی که رژیم شاه در کنار کشورهای عضو شورا در تنازع میان شرق و غرب به آمریکا پیوسته بود، رهبریت جدید ایران مخالف ایالات متحده بود و از کشورهای اسلامی دعوت می‌کرد که از مشارکت در رقابت میان ابرقدرت‌ها اجتناب نمایند. از دیدگاه ایران اسلامی اتحاد با هریک از طرفین خیانت به اسلام محسوب می‌گشت. (Ramazani, 1988, p. 23) بنابراین از دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی رژیم‌های حاکم بر خلیج فارس نامشروع بودند و لذا تلاش برای سرنگونی آنها در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار گرفت.

این دیدگاه‌های منفی دو طرفه بود. از منظر آمریکا و متحدینش در شورا انقلاب اسلامی یک تحول منفی و نامیمون در منطقه تلقی می‌شد. در اثناء شکل‌گیری انقلاب این کشورها از رژیم شاه حمایت می‌نمودند و هنگامی که نهایتاً دولت وی ساقط شد در مرگ آن سوگوار گشتند. آنها به شدت از انتشار امواج انقلاب اسلامی وحشت داشتند و به نظام اسلامی حاکم بر ایران به عنوان یک عامل بی‌ثباتی در منطقه می‌نگریستند.

برای مواجهه با خطر گسترش انقلاب اسلامی در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ یک اتحاد سیاسی غیررسمی بین کشورهای عضو شورا و عراق از یک سو و ایالات متحده از سوی دیگر شکل گرفت. هدف از این اتحاد سرنگون کردن انقلاب اسلامی و حداقل مهار آن از طریق محدود ساختنش به مرزهای ایران بود. برای نیل به این مقصود در سپتامبر سال ۱۹۸۰ عراق با حمایت کامل کشورهای عضو شورا به خاک ایران حمله‌ور شد. با از بین رفتن امیدهای عراق برای رسیدن به یک پیروزی برق‌آسا و خودداری ایران از نشستن بر سر میز مذاکره صلح مگر در صورت پذیرش شرایط ایران، دولت‌های عضو شورا در صحنه‌های بین‌المللی مانند اتحادیه عرب همیشه از عراق حمایت نموده و ایران را به خاطر خودداری از مذاکره با عراق محکوم می‌نمودند. اما اعضای شورا تنها به حمایت سیاسی از عراق کفایت نکردند بلکه در طی سال‌های جنگ میلیاردها دلار به صورت وام در اختیار عراق قرار دادند. آنها همچنین با فروش نفت خود

به جای عراق کاهش درآمدهای نفتی عراق را که از بروز جنگ ناشی می‌شد جبران کردند.^(۱) مهم‌تر آنکه، اعضای شورا به خصوص عربستان با اشباع کردن بازار نفت و در نتیجه کاهش قیمت‌ها ضربه سختی به توانایی مالی ایران برای ادامه جنگ وارد ساختند.^(۲) در این رابطه باید به کمک‌های نظامی آنها به عراق نیز اشاره کرد که شامل دادن اطلاعات به این کشور درباره وضعیت دفاعی ایران، بازکردن فضای کشور خود بر روی هواپیماهای نظامی عراق، و اجازه دادن به عراق برای استفاده از بنادر آنها برای دریافت تجهیزات جنگی و کالاهای ضروری غیرنظامی بود. مهم‌تر از همه آنکه با قراردادن نفتکش‌های خود زیر پرچم آمریکا، کویت عملاً نیروی دریایی ایالات متحده را وارد جنگ ساخت و ایران را وادار نمود تا در آن واحد در دو جبهه بجنگد. (Hunter, 1990, p. 110) در نتیجه، ایران مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و تن دادن به آتش بس بر اساس شرایطی نامناسب شد.

اتخاذ سیاست‌های خصمانه از طرف شورای همکاری از سوی ایران بی‌پاسخ نماند. در پاسخ ایران کشتی‌های تجاری شورای همکاری را در خلیج فارس هدف حمله قرار داد،^(۳) طی چند مورد نیز با موشک و از طریق هوا به بعضی از تأسیسات کویت حمله کرد. گروه‌های طرفدار ایران نیز مبادرت به خرابکاری در کشورهای عضو شورای همکاری نمودند تا از این طریق کشورهای عضو شورا را از حمایت از عراق بازدارند.^(۴)

روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس در دوران پس از جنگ: گشودن فصلی

جدید

تحولاتی که در طول جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸ - ۱۹۸۰) رخ داد سبب معتدل شدن سیاست خارجی ایران در دوران پس از جنگ گردید. ایران به تدریج مواضع تجدیدنظر طلبانه خود را رها کرد و پا در راه طولانی تبدیل شدن به قدرتی که طالب حفظ وضعیت موجود بود گذاشت. به

۱- برای اطلاعات بیشتر در مورد کمک‌های اعضای شورا به عراق در طول جنگ تحمیلی نگاه کنید به: (Nonneman, 1988, Chapter 8).

۲- در مورد این موضوع بعداً توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

۳- برای اطلاعات بیشتر در مورد حملات ایران و عراق به کشتیرانی در خلیج فارس نگاه کنید به: (El-Shazly, 1998)

۴- برای بحثی در مورد پاسخ ایران به حمایت اعضای شورا از عراق نگاه کنید به: (Chubin and Tripp, 1988, Chapter 9)

عنوان بخشی از سیاست خارجی اش، روابط با کشورهای عضو شورا نیز متحول گشت. بعضی از عواملی که منجر به این تحول شدند مربوط به تجربیات ایران در طول دوره جنگ بودند. اما بعضی دیگر از این عوامل از جایی دیگر نشأت می‌گرفتند. این عوامل و تأثیر آنها بر روابط ایران و شورای همکاری تحت عناوین تجربیات دوران جنگ، نیازهای اقتصادی، کاهش نفوذ ایدئولوژی و عوامل سیستمی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

تجربیات دوران جنگ

جنگ تحمیلی برای ایران تجربیات تلخی به همراه داشت. ایران به هدف اصلی خود که ساقط نمودن حزب بعث بود دست نیافت. روابط ایران با قدرت‌های بزرگ و کشورهای محافظه‌کار در خاورمیانه به خصوص آنهایی که در خلیج فارس قرار داشتند به شدت آسیب دید. در نتیجه، ایران خود را هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح جهانی منزوی یافت. در ضمن اتحاد بین آمریکا، کشورهای عضو شورا و عراق به نوعی ایران رادر محاصره قرار داده بود. به علاوه توان نیروهای مسلح کشور نیز در اثناء جنگ فرسایشی ۸ ساله به شدت آسیب دیده بود که این به نوبه خود سبب کاسته شدن از قدرت و افت منزلت و جایگاه ایران در منطقه گردیده بود. از سوی دیگر، عراق با بهره‌گیری از حمایت آمریکا و کشورهای شورا جنگ را در حالتی به پایان رساند که تبدیل به قدرت برتر نظامی در خلیج فارس گشته بود. به‌طور کلی شکست سیاست خارجی تجدیدنظر طلب ایران به وضوح روشن شده بود و ضرورت کنار گذاشتن سیاست ستیزه‌جویانه در قبال کشورهای عربی در خلیج فارس آشکارتر از آن بود که بتوان از کنار آن گذشت.

علی‌رغم اخراج نیروهای متجاوز عراقی از اکثر مناطق اشغالی در خاک کشورمان تا سال ۱۹۸۱ ایران با هدف تنبیه متجاوز و صادر نمودن انقلاب اسلامی به عراق جنگ را ادامه داد. هدف ایران ساقط نمودن حزب بعث و جایگزین نمودن آن با حکومتی اسلامی مشابه ایران بود. اما پیروزی از چنگال ایران گریخت. در عوض پس از ۸ سال جنگ ایران ناچار تن به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ داد. در ماه اوت سال ۱۹۸۸ هنگامی که ایران با اکراه آتش بس را پذیرفت، هنوز ۲۶۰۰ کیلومتر مربع از اراضی کشور در اشغال رژیم متجاوز عراق قرار داشت. (Afrasiabi, 1992, p. 58) بدون شک، یکی از دلایل ناکامی ایران در جنگ کمک‌های گسترده غرب و اعضای شورا به عراق بود.

نبرد ۸ ساله همچنین ایران را از لحاظ سیاسی منزوی ساخته و به حاشیه راند. روابط با عراق کماکان متشنج باقی ماند و در عین حال ایران با بیش از نیمی از کشورهای عربی فاقد روابط دیپلوماتیک بود. از این دست می توان به کویت، عربستان سعودی، اردن، مصر، تونس، و مراکش اشاره کرد. در سطح بین المللی، سفارتخانه های ایران و آمریکا در دو کشور همچنان بسته بود. روابط با ابرقدرت دیگر، اتحاد شوروی، چندان بهتر نبود. روابط با کشورهای مهم اروپایی نظیر آلمان، فرانسه و انگلستان به علت حمایت آنها از عراق در طول جنگ بسیار سرد گشته بود.

به علاوه، گرچه هنگامی که در سال ۱۹۸۸ طبل های جنگ خاموش گشت ایران صاحب ارتشی جنگ دیده شده بود و پایه های لازم برای ایجاد صنایع دفاعی گسترده ریخته شده بود، نیروهای مسلح کشور اعم از سپاه و ارتش در طول جنگ خسارات سنگینی را متحمل شده بودند. در طول جنگ نیروهای مسلح ایران قریب به ۵۰ درصد تجهیزات نظامی خود را از دست دادند و آنچه باقی مانده بود با استانداردهای روز جهان تقریباً از رده خارج محسوب می گردید. آنچه وضعیت را وخیم تر می کرد این بود که ایران توانایی مالی جایگزین کردن تسلیحات موجود را نداشت. در نتیجه، قدرت بازدارندگی ایران و نیز توانایی آن برای دفع حملات احتمالی به میزان قابل ملاحظه ای کاهش یافته بود. در مقایسه، عراق با حمایت مالی کشورهای عضو شورا، دسترسی آسان به اعتبارات مالی فراهم شده از سوی کشورهای غربی و نیز با توجه به تمایل هر دو ابرقدرت برای تجهیز آن به تسلیحات مدرن، زمانی که جنگ به پایان رسید به قدرت برتر نظامی منطقه خلیج فارس تبدیل شده بود. (Cordeman, 1992, pp. 39-40, 41-42, 45)

به طور کلی تجربه ایران در طول جنگ این نکته را آشکار ساخت که کشور فاقد قدرت لازم برای پی گیری سیاست خارجی تجدیدنظرطلبانه ای بود که از ابتدای انقلاب اتخاذ نموده بود.

(Hunter, 1992, p. 2)

نیازهای اقتصادی

در سال های جنگ تحمیلی تحولاتی که در صحنه اقتصاد داخلی رخ داد نیز نقش مهمی در معتدل ساختن سیاست خارجی ایران ایفا کرد. ایران در حالی درگیر جنگ شد که اقتصاد کشور از لحاظ ساختاری وابسته به کشورهای صنعتی غرب بود. اشتغال به جنگ مانع از آن شد که مسئولین کشور بتوانند اصلاحات اقتصادی لازم را برای رفع این وابستگی به مورد اجرا قرار دهند. در واقع باید گفت که جنگ به انحاء مختلف سبب تشدید وابستگی ساختار اقتصادی ایران

به خارج گشت زیرا بسیاری از گام‌هایی را که در ادوار گذشته برای پایه‌گذاری یک اقتصاد خودکفا برداشته شده بود را معکوس کرد. دو تحول دیگر، کاهش درآمدهای نفتی ایران و افزایش سریع جمعیت در سال‌های جنگ، وابستگی ایران را به خارج تشدید کرد و تغییر جهت سیاست خارجی ایران را به ضرورتی اساسی و فوری تبدیل نمود.

مانند بسیاری از کشورهای جهان سوم، اقتصاد ایران از وابستگی ساختاری به کشورهای صنعتی غرب رنج می‌برد. عبارت وابستگی ساختاری به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن بخش‌های سه‌گانه اقتصاد - صنعت، کشاورزی و خدمات - نمی‌توانند بدون دسترسی به میزان قابل ملاحظه داده‌های وارداتی به فعالیت خود ادامه دهند. این داده‌ها عبارتند از مواد خام، کالاهای نیمه ساخته، تکنولوژی و نیز اعتبار و سرمایه‌گذاری خارجی. یک جنبه دیگر از وابستگی ساختاری اتکاء به صادرات یا چند نوع ماده خام برای کسب سرمایه لازم برای تأمین مالی واردات و گردش روزانه اقتصاد کشور است. معمولاً تمام یا بخش عمده‌ای از این صادرات روانه بازارهای کشورهای پیشرفته صنعتی غرب می‌گردند.

نتایج جنگ تحمیلی برای اقتصاد ایران فاجعه‌آمیز بود. بروز جنگ مانع از آن شد تا دولت بتواند نسبت به سیاست‌گذاری و اجرای اقدامات لازم برای تصحیح وابستگی اقتصادی کشور اهتمام لازم را انجام دهد. در واقع با وارد کردن آسیب به توانایی تولیدی کشور و منحرف کردن درآمدها از سرمایه‌گذاری در اقتصاد به سوی هزینه‌های نظامی، جنگ تحمیلی باعث تشدید وابستگی ساختاری اقتصادی کشور شد. در نتیجه جنگ ۲۳۳/۰۰۰ نفر جان خود را از دست دادند و ۲/۵ میلیون آواره و بی‌خانمان گشتند. بیش از ۶۰ شهر و چهارهزار روستا کاملاً و یا تا حدودی تخریب شدند. سیزده هزار خانه با خاک یکسان گردید و صد و نود هزار واحد مسکونی دیگر آسیب دید. (Afrasiabi, 1992, p. 36) اقتصاد ایران، به خصوص بخش نفت و گاز بر اثر حملات مداوم در طول ۸ سال جنگ دچار خسارت سنگین شد.

دو تحول عمده دیگر در طول جنگ مشکلات اقتصادی ایران را تشدید کرد: افت شدید درآمدهای نفتی و افزایش سریع جمعیت. به منظور تضعیف توانایی مالی ایران برای ادامه جنگ در سال ۱۹۸۶ عربستان سعودی تولید نفت خود را افزایش داد و بازارهای جهانی را اشباع نمود. در نتیجه، قیمت نفت ظرف ۲ ماه از بشکه‌ای ۲۸ دلار به بشکه‌ای ۶ الی ۸ دلار کاهش پیدا کرد. به این ترتیب درآمدهای نفتی ایران با افت شدیدی روبه‌رو شد و از ۲۰/۹۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷/۷۸ به ۷/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸/۸۹ کاهش پیدا کرد. (Hunter, 1990, p. 119)

سال‌های جنگ همچنین شاهد رشد سریع جمعیت کشور بود. بین سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۶ جمعیت ایران با ۱۴ میلیون افزایش از ۳۳/۵ میلیون نفر به ۴۹/۴ میلیون نفر رسید. این نشان‌دهنده نرخ رشدی برای ۳/۹ درصد سال است. (Amuzegar, p. 61) افزایش سریع جمعیت به این معنی بود که دولت می‌بایست مسکن، خدمات آموزشی، بهداشتی، برق، آب و فرصت‌های شغلی و اصولاً امکانات بیشتری را در هر سال برای جمعیت فزاینده کشور فراهم کند. این همه در زمانی اتفاق می‌افتاد که به علت کاهش شدید بهای نفت و خسارات وارده از جنگ به اقتصاد کشور، تولید ناخالص ملی با کاهش روبه‌رو بود. در نتیجه فشار اقتصادی که به دولت وارد می‌شد در حال افزایش بود.

پس از پایان جنگ بر رهبران کشور آشکار شده بود که اگر روند فعلی ادامه یابد، اقتصاد ایران و به همراه آن دولت و انقلاب ساقط خواهد گردید. نیاز به احیای اقتصاد کشور باعث شد که زعمای کشور تصمیم بگیرند سیاست خارجی کشور را تا حدی با نیازهای اقتصادی آن تطبیق دهند. با توجه به اهمیت حیاتی درآمدهای نفتی برای سلامت اقتصاد ایران و بازسازی خرابی‌های جنگ تصمیم گرفته شد تا تلاش همه جانبه‌ای برای بهبود روابط کشور با شورای همکاری خلیج فارس انجام گیرد. اگر ایران خواهان افزایش قیمت نفت و رسیدن به سطوح قبل از سال ۱۹۸۶ بود لازم بود که از حمایت کشورهای عضو شورا به خصوص عربستان سعودی در سازمان اوپک بهره‌مند گردد. تنها در سایه این حمایت بود که ایران می‌توانست تلاش نماید تا تولید نفت محدود گردد و به این ترتیب قیمت‌ها مجدداً افزایش یابد. به همین دلیل بود که ایران تلاش کرد تا دشمنی دوران جنگ تحمیلی را به دوستی تبدیل نماید. در این رابطه آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت کشور، گفتند: «با کشورهای جنوب خلیج فارس نباید درگیر شویم. این درگیری‌ها باعث بی‌رونقی صادرات نفت ما می‌شود که عامل پیشرفت ما به حساب می‌آید. اگر با کشورهای خلیج فارس از در دوستی درآییم و سیاست نفتی مشترک را پی بریزیم می‌توانیم در شرایط رفاه اقتصادی جمعی با این کشورها به سر بریم.»^(۱)

کاهش نفوذ ایدئولوژی (اسلام)

یکی از مهم‌ترین تحولاتی که سال‌های پایانی دهه اول انقلاب شاهد آن بود کاهش تدریجی

ولی پیوسته نقش و اهمیت اسلام در شکل دادن به امور کشور بود. (Hunter, 1992, p. 102) این امر تا حدی ناشی از تجربه حاصله در دوران جنگ بود. اثر فزاینده عوامل اقتصادی که پیشتر ذکر آن رفت نیز در این امر مهم بود. به علاوه، پایان جنگ ایران و عراق نیز به این معنی بود که دیگر مانند گذشته توسل به اسلام برای بسیج عمومی ضرورتی نداشت.

کاهش نقش ایدئولوژی به این معنی بود که ایران به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس صرفاً از زاویه اسلام نگاه نکند. ایران واقعاً علاقه‌مند بود که با کشورهای عضو شورا به نحوی همکاری کند که منافع طرفین را تأمین نماید. اما این اعتدال در سیاست خارجی شامل ایالات متحده نمی‌گردید. بعضی از جناح‌های حاکمیت کماکان مانند دهه اول انقلاب بر دشمنی با آمریکا پای می‌فشردند. بنابراین روابط تهران - واشنگتن همچنان متشنج و خصمانه باقی ماند.

عوامل سیستمی

پس از اتمام جنگ تحمیلی یکی از عواملی که سبب شد ایران در تلاش برای بهبود روابط با اعضای شورا بیش از پیش پافشاری کند سقوط اتحاد شوروی در دسامبر سال ۱۹۹۱، فروپاشی نظام دوقطبی، و ظهور آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت جهان بود. دولت کلینتون که در سال ۱۹۹۳ در کاخ سفید مستقر شد سیاست توازن ایران و عراق بر علیه یکدیگر را که دولت‌های سلف او از دهه ۱۹۶۰ به بعد از آن برای جلوگیری از ظهور یک هژمون منطقه‌ای از آن استفاده نموده بودند را کاملاً کنار گذاشت. دولت کلینتون احساس می‌کرد در دنیای تک قطبی نوظهور خود به تنهایی از توان کافی برای مقابله با ایران و عراق به صورت هم‌زمان برخوردار است. بنابراین سیاست مهار دوجانبه را در قبال ایران و عراق پیش گرفت. تا آنجایی که به ایران مربوط می‌شد یکی از اهداف سیاست مهار دوجانبه منزوی کردن آن در خلیج فارس بود.^(۱) این هم باید از طریق مطرح کردن ایران به عنوان یک تهدید برای کشورهای عضو شورا عملی می‌گردید. در این راستا ایالات متحده ایران را متهم می‌ساخت که برای تهدید همسایگان خود و سلطه بر خلیج فارس مشغول ساخت سلاح‌های کشتار جمعی و موشک‌های بالستیک است. ایالات متحده همچنین با بزرگ

۱- برای آشنایی با جنبه‌های مختلف سیاست مهار دوجانبه نگاه کنید به:

(Indyk, 1992, pp. 70-93); (Lake, 1994, pp. 45-55); (Sick, 1998, pp. 5-32); (Brzezinski, and Murphy, 1997, pp. 20-41); (Khalilzad, 1995, pp. 95-120); (Hajiar, 1997, pp. 19-28).

جلوه دادن خریدهای تسلیحات متعارف ایران، هدف از این خریدهای تسلیحاتی را دست یافتن به توان نظامی کافی برای سیادت بر خلیج فارس توصیف می‌نمود. واشنگتن همچنین ایران را مسئول فعالیت‌های تروریستی به خصوص بر علیه کشورهای عضو شورا قلمداد می‌کرد. برای مثال، آمریکا ایران را متهم می‌نمود که در حمله سال ۱۹۹۶ به برج‌های خبار در طهران عربستان سعودی دست داشته است. واشنگتن همین‌طور هدف ایران از مخالفت با روند صلح اعراب و اسرائیل را بی‌ثبات کردن کشورهای محافظه کار خلیج فارس معرفی می‌کرد. (Sick, 1998, p. 8)

اهداف و ابزارهای ایران

هدف اصلی سیاست خارجی ایران در دوران پس از جنگ در منطقه خلیج فارس این بود که ایران را در موقعیتی بهتر برای مقابله با آمریکا و در مرحله بعد رژیم بعث عراق قرار دهد. دولت ایران امیدوار بود با تغییر الگوی اتحادها در خلیج فارس بتواند به این هدف نائل آید. برای نیل به این مقصود دولت‌های پس از جنگ تلاش کردند اتحاد بین کشورهای عضو شورا با عراق و آمریکا را از طریق بهبود روابط ایران با شورای همکاری تضعیف نمایند. در دراز مدت، دولت ایران امیدوار بود که اتحاد بین تهران و اعضای شورا را جایگزین محور بغداد - شورای همکاری - آمریکا بنماید. در کوتاه و میان مدت دولت ایران امیدوار بود تنش‌زدایی از روابط دوجانبه سبب کاهش تشنجات منطقه‌ای شده و نیاز شورای همکاری را برای تکیه به آمریکا و عراق را کاهش می‌دهد. هدف ثانوی ایران آن بود تا در سایه روابط مسالمت‌آمیز از حمایت اعضای شورای همکاری در سازمان اوپک برای محدود کردن تولید اعضای این سازمان و در نتیجه افزایش قیمت جهانی نفت بهره‌مند گردد.

لازمه نیل به این اهداف تغییر سیاست‌های قدیمی ایران نسبت به همسایگان جنوبی خود بود. طراح سیاست‌های جدید آقای هاشمی رفسنجانی بود که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۸۹ به پیروزی رسیده بود. دوران ۸ ساله مسئولیت وی شاهد تلاش‌های مستمر برای بازسازی روابط سیاسی و اقتصادی ایران با دنیای خارج من جمله با کشورهای عضو شورا بود. همین سیاست‌ها با شدت و حدت بیشتری از سوی جانشین وی محمد خاتمی که سکان کشور را پس از انتخابات سال ۱۹۹۷ از رفسنجانی گرفته بود دنبال شد.

از دیدگاه دولت ایران صادرات آب به چند طریق می‌توانست به دستیابی اهداف بالا کمک نماید. در سطح دوجانبه با افزایش تجارت و ارتقاء تماس بین سواحل دو سوی خلیج فارس،

صادرات آب می‌توانست به افزایش اعتماد میان ایران و همسایگان عربش بیفزاید. به عبارت دیگر، صادرات آب می‌توانست به عنوان یک ابزار ایجاد امنیت و اعتماد عمل کند. علاوه بر آن، با توجه به سهم بودن بعضی سیاستمداران بلندپایه در دو سوی خلیج فارس در این پروژه، صادرات آب می‌توانست سبب ایجاد تفاهم بیشتر و پیوندهای نزدیک‌تر بین زمامداران ایران و اعضای شورا گردد. به علاوه، دولت ایران امیدوار بود که در درازمدت صادرات آب سبب وابستگی کشورهای عضو شورای همکای به ایران برای یک کالای استراتژیک گردد و به عنوان یک ابزار نفوذ برای ایران در آن سوی خلیج فارس عمل نماید. در صورت وقوع، این امر می‌توانست توازن بیشتری در روابط دوجانبه ایجاد نماید.^(۱) در سطح بین‌المللی به علت اینکه اجرای پروژه مستلزم مشارکت گسترده اقتصادی و فنی شرکت‌های اروپایی و آمریکایی بود صادرات آب می‌توانست از طریق افزایش سهم شرکت‌های غربی در اقتصاد ایران بر امنیت کشور بیفزاید.^(۲) در خاتمه، گرچه درآمدهای ناشی از اجرای پروژه نسبتاً اندک بود اما با در نظر گرفتن مشکلات ارزی کشور هنوز قابل اهمیت محسوب می‌گردید.

اظهارات مقامات سیاسی ایران بر این نکته صحنه دارد که تلاش‌های ایران برای صادرات آب به کشورهای عضو شورا عمدتاً ناشی از محاسبات سیاسی بود و نه منافع اقتصادی. به هنگام مقایسه تلاش‌های فعلی ایران برای صادرات آب به کویت با تلاش‌های نافرجام دولت آقای هاشمی رفسنجانی برای صادرات آب به قطر، آقای مهندس بیطرف، وزیر نیرو، تأکید داشتند که علت تمایل دولت آقای رفسنجانی به صادرات آب به کویت صرفاً بهبود روابط سیاسی بود. وی اشاره داشت که دولت آقای هاشمی قصد داشت آب را به صورت مجانی در اختیار قطر قرار دهد. (آفتاب بزد، ۱۳۸۰، ص ۴) در تشریح انگیزه‌های دولت آقای خاتمی برای صادرات آب به کویت وی گفت: «صادرات آب به کویت و کشورهای حوزه خلیج فارس نقش مؤثری در اعتماد سازی در روابط بین کشورها دارد». (شرق، ۱۳۸۳، ص ۱۰) اظهارات سایر مقامات برجسته ایرانی نیز به ارجحیت انگیزه‌های سیاسی بر انگیزه‌های اقتصادی در روابط با شورای همکاری تأکید داشت. ضمن اظهار نظر درباره روابط ایران با کشورهای عضو شورای همکاری در چهارمین کنفرانس ساخت سدهای بزرگ، آقای حسن حبیبی، معاون رئیس‌جمهور وقت، اظهار داشتند که روابط با کشورهای عضو شورا نباید براساس ملاحظات اقتصادی استوار شود زیرا این امر مغایر

۱- این موضوع به کرات در مصاحبه‌های انجام شده با پرسنل وزارت نیرو مطرح گردید.

۲- این موضوع در مصاحبه با مسئولین شرکت سرمایه‌گذاری نیرو مطرح گردید.

شکست و موفقیت: مقایسه مذاکرات با قطر و کویت

مذاکرات ایران با قطر پیش از کویت انجام گردید. مذاکرات دوحه و تهران بر سر صادرات آب در سال ۱۹۸۹، اندکی پس از خاتمه جنگ تحمیلی آغاز شد و به مدت یک دهه ادامه داشت. عاقبت در سال ۱۹۹۹ ایران به آرامی آن را از دستور کار مذاکرات دوجانبه خارج کرد. مذاکرات بین ایران و کویت اندکی پس از قطع گفتگوهای تهران و دوحه آغاز شد و منجر به امضای یک موافقت‌نامه در ماه سپتامبر سال ۲۰۰۳ گردید. این موافقت‌نامه اکنون برای تصویب نهایی در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار خواهد گرفت. ناکامی مذاکرات درازمدت با قطر و توافق نسبتاً سریع با کویت این سؤال را مطرح می‌کند که چرا مذاکرات با قطر به شکست انجامید، گرچه که هم قطر و هم کویت از لحاظ کمبود آب در وضعیت مشابهی قرار دارند؟ برای پاسخ دادن به این سؤال مذاکرات با هر دو کشور به‌طور مختصر توصیف می‌شود و سپس پاسخ‌های مسئولین ایرانی به این سؤال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مذاکرات برای صادرات آب به قطر

موضوع صادرات آب ایران به قطر در اثناء ملاقات بین آقای هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت کشور و شیخ خلیفه آل ثانی امیر قطر در سال ۱۹۸۹ و از سوی طرف قطری مطرح گشت. به دنبال طرح موضوع و گفتگوهایی که متعاقباً انجام شد شرکت آلمانی لامایر^(۱) مأمور گردید یک مطالعه امکان‌سنجی در این زمینه انجام دهد. بر اساس مطالعات انجام شده شرکت لامایر پیشنهاد کرد که آب صادراتی از دریاچه پشت سد شهید عباسپور که بر روی رودخانه کارون احداث گردیده است تأمین شود.^(۲) بر اساس مطالعات انجام شده پیشنهاد شد خط لوله‌ای به قطر ۱/۵ متر و طول ۷۷۰ کیلومتر احداث گردد که ۵۶۰ کیلومتر آن در داخل خاک ایران قرار داشت و ۲۱۰ کیلومتر بقیه در بستر خلیج فارس و بر روی خاک قطر ساخته می‌شد. در صورت اجرای پروژه ایران می‌باید سالانه ۱۳۵ میلیون مترمکعب آب در اختیار قطر قرار می‌داد.

1- Lahmayer International GmbH

۲- رودخانه کارون بزرگ‌ترین رودخانه کشور است که در استان خوزستان در نزدیکی خرمشهر به دجله و فرات پیوسته و اروندرود را تشکیل می‌دهد که به خلیج فارس می‌ریزد.

توافق شده بود تصفیه آب در خاک ایران انجام گردد و سپس آب از طریق خط لوله به قطر منتقل شود. هزینه اجرای پروژه ۱/۵ میلیارد دلار و مدت زمان لازم برای تکمیل آن ۳ سال برآورد شده بود. (Khordagui, 2001, p. 174) چند گزینه برای تأمین مالی پروژه در نظر گرفته شده بود. بر اساس گزینه اول قرار بود تأمین مالی پروژه از خارج صورت گیرد و سرمایه‌گذار خارجی هزینه‌های خود را به اضافه درصدی سود از طریق فروش آن به قطر در مدت زمانی معین تأمین نماید. بر اساس گزینه دوم، ایران هزینه‌های ساخت خط لوله و تأسیسات جانبی آن در خاک خود را خود تأمین می‌نمود و قطر باقی مانده هزینه را تقبل می‌کرد. قطر سپس از طریق خرید آب از ایران هزینه‌هایی را که تهران برای پروژه متحمل شده بود بازپرداخت می‌کرد. گزینه سومی نیز وجود داشت که بر اساس آن طرفین هرکدام نیمی از هزینه‌های پروژه را متحمل می‌شدند و در این حالت مجدداً طرف قطری مبلغی را که ایران هزینه کرده بود با خرید آب به ایران پس می‌داد. اما، مذاکرات به مرحله‌ای نرسید که یکی از گزینه‌ها انتخاب گردد. قیمت آب صادراتی بستگی به نحوه تأمین مالی پروژه داشت. برای اجرای پروژه از سوی وزارت نیرو شرکتی به نام شرکت منابع آب خاورمیانه که دفتر آن در تهران واقع است تأسیس شد.^(۱)

در ابتدا سیاستمداران ایرانی بسیار نسبت به موفقیت این پروژه خوشبین بودند. در تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۹۲ در سمیناری که رؤسای ادارات آب منطقه‌ای کشور در آن شرکت داشتند، آقای مهندس زنگنه، وزیر وقت نیرو، گفت که ایران در وضعیت منحصر به فردی برای تأمین آب کشورهای عضو شورا قرار دارد. وی گفت عراق تنها کشور دیگر منطقه که از ذخایر آبی قابل توجهی برخوردار است دیگر قادر به صادرات آب نیست زیرا سدهایی که ترکیه در بالا دست بر روی رودخانه‌های دجله و فرات احداث کرده سبب کاهش میزان آب ورودی به عراق گشته است به نحوی که روخانه‌های دجله و فرات اکنون فقط قادر به تأمین نیازهای این کشور می‌باشند. وی اضافه کرد که ترکیه و سایر کشورهای آبی غنی هستند آن قدر از کشورهای شورا فاصله دارند که هزینه‌های حمل آب سبب می‌شود قیمت آب تحویلی مقرون به صرفه نباشد. (کیهان، ۱۳۸۱، ص ۶) در اوایل ماه مارس سال ۱۹۹۳، علی اکبر بشارتی که در آن سال‌ها سمت وزارت کشور را بر عهده داشت در دیدار خود از دوحه با مقامات قطری در مورد صادرات آب گفتگو کرد. او ابراز امیدواری کرد که این پروژه به زودی به مورد اجرا گذاشته شود. (ابرار، ۱۳۷۱،

ص ۴) در ژانویه سال ۱۹۹۴، در دیداری دیگر از قطر در حالی که نماینده وزارت نیرو در زمینه پروژه صادرات آب او را همراهی می نمود آقای بشارتی اعلام کرد که ایران مصمم است در این زمینه با قطر به توافق برسد. او ابراز امیدواری کرد که فعالیت های اجرایی پروژه تا پیش از پایان سال آغاز گردد. (کیهان، ۱۳۷۳، ص ۳) برخلاف انتظار مقامات کشور، مذاکرات ایران و قطر تا سال ۱۹۹۹ بدون اخذ هیچ گونه نتیجه ای به درازا کشید. ^(۱) دلیل ظاهری شکست مذاکرات عدم توافق بر سر قیمت آب بود.

مذاکرات با کویت برای صادرات آب

بعد از شکست مذاکرات با قطر دولت کویت پیشنهاد تأمین بخشی از نیازهای آبی این امارات را به دولت ایران ارائه کرد. به منظور بررسی جنبه های فنی، اقتصادی، مالی و حقوقی قضیه یک مطالعه امکان سنجی به هزینه دو طرف انجام گرفت. شرکتی خارجی که این مطالعه را انجام داد پیشنهاد نمود تا از دریاچه سد کرخه برای صادرات آب به کویت استفاده شود. سد کرخه بر روی رودخانه کرخه در استان خوزستان احداث شده است. بر اساس مطالعات انجام شده لازم است خط لوله ای به طول ۵۴۰ کیلومتر احداث گردد. ۳۳۰ کیلومتر از این خط لوله که قطر ۲/۷ متر است در خاک ایران قرار دارد و ۲۱۰ کیلومتر مابقی که در کف خلیج فارس و خاک کویت احداث می شود ۱/۴ متر قطر دارد. (Tehran Times, June 20, 2002, p.2) بنا به اظهارات مقامات ایرانی بر اساس توافقات انجام شده ایران باید برای مدت ۳۰ سال هر ساله ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب در اختیار کویت قرار دهد. برای درک بهتر حجم آب صادراتی باید گفت که این میزان برابر با یک سوم مصرف شهر ۷/۵ میلیون نفر تهران است. ^(۲) در ضمن دولت ایران موافقت کرد که در صورت لزوم میزان آب صادراتی را به ۶۰۰ میلیون مترمکعب در سال افزایش دهد. ^(۳) قیمت آب صادراتی ۲۵ سنت در هر مترمکعب است که در نتیجه درآمد سالانه ایران را

۱- آخرین باری که موضوع صادرات آب به قطر در مذاکرات میان مقامات دو کشور مطرح شد ۱۹ می ۱۹۹۹ بود. نگاه کنید به پیام نیرو، شماره ۴۹، اردیبهشت ۱۳۷۸، ص ۱۱.

۲- ارقام مربوط به مصرف آب سالانه در تهران از منبع زیر گرفته شده است: همشهری، ۶ فروردین ۱۳۸۲، ص ۵. مهم است در نظر داشته باشیم که متوسط مصرف سرانه آب در ایران دو برابر میزان جهانی است. تهران تایمز، ۱۴ آبان ۱۳۸۱، ص ۴.

۳- میر ابوالقاسمی، ۲۸ فروردین ۱۳۸۰، ص ۸. آقای میر ابوالقاسمی ارقام را از قول آقای بیطرف نقل می کند. در ضمن نگاه کنید به همشهری، ۱ مرداد ۱۳۸۰، صص ۱۸-۱۷.

به ۷۵ میلیون دلار می‌رساند. برطبق اظهارات مقامات ایرانی انتظار می‌رود اجرای این پروژه ۲ میلیارد دلار هزینه دربرداشته باشد. اما با توجه به تحولات اخیر در عراق اکنون ممکن است بتوان مسیر کوتاهتری را انتخاب کرد که در این صورت تقریباً ۵۰۰ میلیون دلار از هزینه اجرای پروژه کاسته می‌گردد.^(۱) کنسرسیومی که برای اجرای پروژه انتخاب شده است متشکل از شرکت‌های انگلیسی، آلمانی و ژاپنی است و در ضمن شعبه انگلیسی شرکت آمریکایی Kellogg-Brown and Root نیز عضوی از کنسرسیوم می‌باشد. شرکت اخیرالذکر یکی از شرکت‌های وابسته به کمپانی آمریکایی Halliburton است. به منظور اجرای این پروژه کنسرسیوم شرکت گلف یوتیلیتیز^(۲) را در انگلستان تأسیس کرد. شرکای این شرکت در ایران و کویت به ترتیب عبارتند از شرکت ایرانی سرمایه‌گذاری نیرو و شرکت کویتی گلف واتر.^(۳) بعضی رجال سیاسی بلندمرتبه دو کشور از سهام‌داران عمده این دو شرکت می‌باشند. شرکت‌های ایرانی و کویتی موظف هستند هر یک ۳۵ درصد هزینه‌های اجرای پروژه را فراهم کنند. ۳۰ درصد مابقی را شرکت‌های تشکیل دهنده کنسرسیوم تأمین خواهند نمود. (ایران، ۳۰ آذر ۱۳۸۰، ص ۱۳)

در ژانویه ۲۰۰۳ در طی دیداری از ایران وزیر آب و برق کویت، آقای مبارک‌العبار، با مقامات ایرانی توافق کرد که کمیته مشترکی برای بررسی جنبه‌های حقوقی، اقتصادی و فنی قضیه تشکیل دهند. (ابرار اقتصادی، ۹ بهمن ۱۳۸۲، ص ۲) به دنبال آن در ماه دسامبر سال ۲۰۰۳ موافقت‌نامه‌ای بین دو کشور برای صادرات آب امضاء شد که انتظار می‌رود طی چند ماه آینده مجلس شورای اسلامی در مورد تصویب آن به بحث و تبادل نظر بپردازند.

در میان مسئولین ایرانی که در جریان این دو پروژه قرار دارند، دو دیدگاه در مورد این موضوع وجود دارد که چرا مذاکرات با قطر ناکام ماند. یک دیدگاه ایالات متحده را مسئول شکست مذاکرات قلمداد می‌کند. آنها معتقدند که این فشار آمریکا برای خودداری از امضای قرارداد با ایران بود که سبب شد مقامات قطری مسئله قیمت آب را بهانه کرده و از ادامه مذاکرات امتناع کنند. از منظر آنها واشنگتن هیچ‌گاه به کشورهای عضو شورا اجازه نمی‌دهد که برای یک کالای استراتژیک نظیر آب به ایران وابسته گردند. آنها می‌گویند علت مخالفت آمریکا آن است که این کشور می‌داند هرگونه وابستگی اعضای شورا به ایران لاجرم سبب کاهش نفوذ آمریکا در شورای

۱- مصاحبه با مسئولین شرکت سرمایه‌گذاری نیرو.

همکاری شده و از توانائی ایالات متحده برای بسیج اعضای شورا بر علیه ایران می‌کاهد.^(۱) اما این دیدگاه غیر قابل قبول به نظر می‌رسد زیرا که توانایی پاسخ دادن به بسیاری از سؤالاتی را که مطرح می‌شود ندارد. برای مثال، با توجه به اینکه کویت از مخالفت آمریکا با واردات آب از ایران مطلع بود، چرا در این زمینه با ایران وارد مذاکره شده؟ چرا علی‌رغم اطلاع از اینکه این پروژه از لحاظ سیاسی امکان‌پذیر نیست هزینه‌های قابل توجهی را برای انجام مطالعات امکان‌سنجی اختصاص دادند؟ چرا دولت کویت مکرراً از دولت ایران خواسته است که با توجه به نتایج مثبت مطالعه امکان‌سنجی هر چه سریع‌تر موافقت‌نامه‌ای را در این زمینه با کویت امضاء کند؟ مهم‌تر از همه آنکه چرا پس از امضای قرارداد هیچ ابراز مخالفتی از طرف آمریکا صورت نگرفت؟ یا چرا دولت ایران که مطلع از نفوذ آمریکا در کویت و مخالفت این کشور با صادرات آب ایران به کشورهای عضو شورا بود با این امیرنشین وارد مذاکره گردید؟ به همین شکل این دیدگاه پاسخی برای این سؤال که چرا ایران دو سال است مشغول مذاکره با عربستان برای صادرات آب است ندارد؟^(۲)

از منظر گروه دیگر شکست مذاکرات ایران و کویت ارتباطی با فشار آمریکا بر کشورهای عضو شورا نداشت بلکه ناشی از آن بود که منافع آمریکا و انگلستان که کشورهای صاحب‌نفوذ در قطر هستند و نیز سیاستمداران ذی‌نفوذ قطری در نظر گرفته نشده بود. آنها معتقدند که اگر ایران منافع این بازیگران بانفوذ را تأمین نموده بود مذاکرات با قطر به شکست نمی‌انجامید. شاید در اینجا آوردن مثالی برای روشن کردن موضوع مفید باشد. زمانی که جمهوری آذربایجان قصد بهره‌برداری از منابع نفت و گاز خود را داشت این کشور تمامی بازیگران مهم منطقه‌ای و بین‌المللی ذی‌نفوذ در منطقه دریای خزر را مدنظر قرار داد. به این ترتیب کنسرسیومی تشکیل شد که شرکت‌های نفتی آمریکایی، اروپایی، روسی و ترک در آن مشارکت داشتند. آنها معتقدند که علت ناکامی مذاکرات با قطر آن بود که ایران در تلاش برای عقد قرارداد با قطر به این روش عمل نکرد. آنها معتقدند که علت موفقیت در عقد قرارداد با کویت آن بود که ایران از تجربه مذاکرات با قطر درس گرفته و این بار منافع تمام طرف‌هایی را که رضایت آنها برای اجرای پروژه ضروری بود را لحاظ نمود. امضای قرارداد با کویت در ماه دسامبر گذشته صحت این نظر را تأیید

۱- مصاحبه با مسئولین شرکت آب خاورمیانه.

۲- موضوع مذاکره بر سر صادرات آب به عربستان سعودی در مصاحبه با مسئولین شرکت سرمایه‌گذاری نیرو مطرح شد.

می‌کند.^(۱)

طولانی شدن فرایند مذاکرات با کویت

یکی از موضوعات دیگری که در طول فرایند مذاکرات با کویت رخ نمود کند بودن طرف ایرانی در نهایی کردن قرارداد پس از انجام مطالعات امکان سنجی و انجام توافق‌های اولیه بود. پاسخ آهسته مقامات ایرانی به خصوص از آن جهت قابل توجه است که طرف کویتی در خاتمه مذاکرات تعجیل داشت.^(۲) تعلل مقامات ایرانی در ختم مذاکرات تماماً به دلایل داخلی بود. بسیاری از بخش‌های کشور در طول سال‌های مذاکره و پیش از آن با کمبود آب برای مصارف خانگی، صنعتی و کشاورزی روبه‌رو بودند. یک نمونه خوب از این دست استان سیستان و بلوچستان است ولی استان‌های دیگر نیز مانند هرمزگان و خوزستان با مشکل کم‌آبی و کیفیت نازل آب آشامیدنی روبه‌رو بوده‌اند. این امر عمده‌تأ ناشی از عدم سرمایه‌گذاری کافی در زیرساخت‌های آبی کشور است که خود را به صورت هرز رفتن آب‌های سطحی، نبودن خطوط لوله کافی برای انتقال آب، محدود بودن تأسیسات تصفیه آب و فاضلاب و سایر زیرساخت‌های مشابه نشان می‌دهد. خشکسالی شدید در بعضی مناطق کشور سبب تشدید کم‌آبی گشته است. به همین علت آب شرب در بعضی شهرهای کشور در طی ماه‌های گرم و کم‌بارش سال جیره‌بندی شده است. تلف شدن دام‌ها و خسارت به کشاورزان از دیگر نتایج کم‌آبی بوده است.^(۳) مهم‌تر از همه آنکه کم‌آبی منجر به بروز ناآرامی به خصوص در خوزستان که آب صادراتی قرار است از رودخانه‌های آن تأمین شود شده است. در بعضی موارد مثلاً در آبادان و اهواز دولت ناچار شد برای مقابله با ناآرامی و اعاده نظم به زور متوسل گردد.^(۴) در نتیجه، مسئله صادرات آب به یک موضوع حساس در سطح کشور بدل شده است. دولت آقای خاتمی به سبب نگرانی از تجدید ناآرامی‌ها به سبب امضای قرارداد با کویت در حالی که کشور دچار کم‌آبی و خشکسالی نسبتاً

۱- مصاحبه با مسئولین شرکت سرمایه‌گذاری نیرو.

۲- مصاحبه با مسئولین وزارت نیرو. همچنین نگاه کنید به اظهارات کاردار ایران در کویت در مورد اینکه کویتی‌ها مکرراً آمادگی خود را برای اجرای طرح اعلام کرده‌اند. ایران، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۲.

۳- برای بحث در مورد اثرات خشکسالی نگاه کنید به: تهران تایمز، ۱۴ مرداد ۱۳۷۹. برای اطلاعات در مورد وضعیت کم‌آبی در کشور نگاه کنید به: ایران، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۳، ص ۲۴.

۴- برای گزارش‌های مربوط به ناآرامی و تلفات حاصل از آن به منابع زیر رجوع کنید: کیهان، ۱۶ تیر ۱۳۷۹، ص ۱۱۴؛ رسالت، ۱۹ تیر ۱۳۷۹، ص ۱، ۱۵؛ انتخاب، ۲۰ تیر ۱۳۷۹، ص ۳ و کارگر، ۲۳ تیر ۱۳۷۹، ص ۹.

شدید بود عقد قرارداد با طرف کویتی را به تعویق انداخت. در عین حال مسئولین مربوطه در وزارت نیرو تلاش زیادی نمودند تا با برشمردن مزایای سیاسی و اقتصادی صادرات آب افکار عمومی را برای پذیرش این تصمیم آماده سازند. یکی دیگر از نشانه‌های نگرانی دولت از پیامدهای سوء داخلی صادرات آب آن بود که در ایامی که کمبود آب به اوج خود رسیده بود وجود هرگونه‌ای برنامه‌ای برای صادرات آب را تکذیب می‌کردند.^(۱)

اما با افزایش میزان بارندگی در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ و نتیجتاً کاهش کم‌آبی دولت زمان را برای انعقاد قرارداد با کویت مناسب دید و در اواخر سال گذشته امضاء ایران زیر قرارداد صادرات آب قرار گرفت.^(۲) اما هنوز یک مشکل دیگر بر سر راه اجرای طرح باقی است و آن تصویب قرارداد در مجلس شورای اسلامی است. مطمئناً این قرارداد در مجلس با مخالفت‌هایی روبه‌رو خواهد شد. آقای رشیدیان یکی از نمایندگان شهر آبادان پیشتر مخالفت خود را با اجرای این طرح اعلام کرده است.^(۳) گذشته از ایشان، بقیه نمایندگان استان خوزستان که منبع تأمین آب برای صادرات است، نیز با صادرات آب مخالفند زیرا احساس می‌کنند که کیفیت آبی که در بسیاری از شهرهای این استان مصرف می‌شود مناسب نیست. آنها معتقدند که بجای مشغول کردن خود به صادرات به کشورهای عضو شورا، دولت باید توان خود را صرف افزایش کیفیت آب مصرفی مردم این استان نماید. با این همه آنها می‌گویند که آماده‌اند به دلایل ارائه شده از سوی دولت در این زمینه گوش فرا دهند و چنانچه این دلایل متقاعدکننده باشد به این قرارداد رأی مثبت خواهند داد.^(۴)

اما حتی اگر همه نمایندگان خوزستان بر علیه این قرارداد رأی بدهند این به معنی عدم تصویب قرارداد نیست زیرا استان خوزستان دارای ۱۸ نماینده در مجلس ۲۹۰ عضوی کشور است. پس چه بسا حتی در صورت مخالفت آنان نیز این طرح تصویب گردد.

۱- برای نمونه‌هایی از تکذیب هرگونه برنامه‌ای برای صادرات آب نگاه کنید به منابع زیر: جوان، ۱ اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۱۰ و تهران تایمز، ۲ مرداد ۱۳۷۹، ص ۳.

۲- برای گزارش‌های مربوط به اینکه در سال جاری تصمیمی اتخاذ خواهد شد نگاه کنید به: آشتی، ۸ اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۳.

۳- برای آشنایی با دیدگاه‌های آقای رشیدیان نماینده محترم مردم آبادان در مجلس ۹ اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۴. شورای اسلامی نگاه کنید به: صدای عدالت.

۴- مصاحبه تلفنی با آقای میدری نماینده محترم مردم آبادان در مجلس شورای اسلامی.

نتیجه‌گیری

دولتی که بر اثر انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ به قدرت رسید آمریکا و متحدینش در شورای همکاری خلیج فارس را دشمن می‌پنداشت. بنابراین در راستای تلاش برای از میان برداشتن نفوذ آمریکا در خلیج فارس سعی نمود دولت‌های عضو شورا را سرنگون نماید. تجربه جنگ تحمیلی به زمامداران کشور آموخت که ایران توانایی مقابله هم‌زمان با آمریکا و کشورهای عضو شورا را ندارد. بنابراین پس از پایان جنگ، ایران استراتژی خود را تعدیل نمود به نحوی که مخالفت با آمریکا کماکان به قوت خود باقی ماند ولی ایران مشی خصومت بر علیه کشورهای عضو شورا را کنار گذاشت و از آن پس تلاش نمود روابط دوستانه‌ای با این کشورها پایه‌ریزی نماید. هدف استراتژی جدید آن بود که با ایجاد روابط دوجانبه دوستانه از تنش در خلیج فارس کاسته و مانع از آن گردد تا آمریکا بتواند اعضای شورا را بر علیه ایران بسیج نماید. به این ترتیب دولت ایران امیدوار بود از توانایی اعمال نفوذ آمریکا در اعضای شورا بکاهد و به این شکل نفوذ آمریکا در خلیج فارس را کاهش دهد. در این راستا دولت ایران در کنار سایر ابزارهای سیاسی و نظامی از صادرات آب به عنوان وسیله‌ای اقتصادی برای امنیت و اعتمادسازی در روابط دوجانبه استفاده کرده است. مهم‌تر آنکه دولت ایران امیدوار است در بلندمدت کشورهای عضو شورا یا حداقل بعضی از آنها را به منابع آبی ایران وابسته سازد. از دیدگاه زعمای کشور اگر این امر تحقق یابد ایران می‌تواند ضربه محکمی به نفوذ آمریکا در کشورهای عضو شورا و به تبع آن در خلیج فارس وارد سازد. در یک کلام آنکه آب یک ابزار اقتصادی است که از آن برای نیل به اهداف سیاسی استفاده می‌شود.

اما سؤال اصلی این است که آیا ایران می‌تواند با استفاده از صادرات آب در کنار به کارگیری سایر ابزارهای سیاست خارجی به هدف خود که ایجاد شکاف بین اعضای شورا و آمریکا است دست یابد؟ پاسخ به این سؤال منفی به نظر می‌رسد به دلیل اینکه روابط آمریکا و اعضای شورا اساساً یک رابطه امنیتی است و هیچ کشور دیگری در منطقه وجود ندارد که بتواند تضمین‌های امنیتی که آمریکا در اختیار کشورهای عضو شورا می‌گذارد را فراهم کند. علاوه بر این، شکست تلاش‌های مستمر ایران برای متقاعد کردن کشورهای عضو شورا به فاصله گرفتن از آمریکا نشانه دیگری بر آن است که ایران در نیل به این اهداف توفیقی نخواهد یافت. در واقع، باید گفت که علی‌رغم بهبود قابل ملاحظه روابط ایران و اعضای شورا در طی دهه ۱۹۹۰ پیوندها بین اعضای شورا و ایالات متحده استحکام بیشتری یافته است. نشانه تقویت این پیوندها را می‌توان در عقد

پیمان‌های دفاعی دوجانبه بین اعضای شورا و واشنگتن مشاهده کرد که آمریکا را ملزم می‌سازد تا در صورت مورد حمله قرار گرفتن این کشورها از سوی یک کشور ثالث به کمک اعضای شورا بشتابد.

بدین صورت، اگر بپذیریم که احتمال آنکه صادرات آب بتواند به هدف‌هایی که برای آن در نظر گرفته شده است اندک است، به شکل واقع‌بینانه می‌توان انتظار داشت چه از این رهگذر نصیب کشور گردد؟ آنچه که با قاطعیت می‌توان گفت آن است که صادرات آب یک منبع درآمد ارزی جدید برای این ایجاد خواهد کرد. البته درآمدهای حاصل از صادرات آب به هیچ وجه قابل مقایسه با درآمدهای حاصل از صادرات نفت یا حتی محصولات پتروشیمی نخواهد بود. ولی باید اضافه کرد که در صورت عقد قراردادهای مشابه با سایر کشورهای عضو شورا حجم این درآمدها افزایش خواهد یافت. و اما این موضوع که آیا به جز درآمد ارزی صادرات آب می‌تواند یک اهرم نفوذ سیاسی نیز برای ایران در آن سوی خلیج فارس نیز فراهم کند، بستگی به این دارد که چه تعداد از کشورهای عضو شورا برای واردات آب با ایران قرارداد ببندند و برای تأمین چند درصد از آب مصرفی خود به ایران وابسته شوند و اینکه آیا واردات آب از ایران منجر به این خواهد شد که کشورهای عضو شورا دستگاه‌های آب شیرین کن خود را تعطیل نموده و آنها را برای همیشه از مدار خارج سازند. این موضوعی است که هنوز برای اظهار نظر کردن در مورد آن بسیار زود است.

کتابنامه:

الف - فارسی

- ۱ - آفتاب یزد، ۱۲ بهمن ۱۳۸۰، ص ۴.
- ۲ - ابرار، ۱۴ اسفند ۱۳۷۱، ص ۴.
- ۳ - آشتی، ۸ اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۳.
- ۴ - انتخاب، ۲۰ تیر ۱۳۷۹، ص ۳.
- ۵ - امام خمینی، (۱۳۶۲)، در جستجوی راه از کلام امام: جهان اسلام، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۶ - ایران، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۲.
- ۷ - ایران، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۳، ص ۲۴.
- ۸ - پیام نیرو، شماره ۴۹، اردیبهشت ۱۳۷۸، ص ۱۱.
- ۹ - پیام نیرو، شماره ۵۶، اردیبهشت ۱۳۷۸، ص ۲۲.

- ۱۰ - پیام نیرو، شماره ۱۰۱، آذر ۱۳۸۲، ص ۱۷.
- ۱۱ - حیات نو، ۳ اسفند ۱۳۷۹، ص ۸.
- ۱۲ - جوان، ۱ اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۱۰.
- ۱۳ - خراسان، ۲۳ اسفند ۱۳۷۹، ص ۵.
- ۱۴ - رسالت، ۱۹ تیر ۱۳۷۹، صص ۱، ۱۵.
- ۱۵ - شرق، ۷ خرداد ۱۳۸۳، ص ۱۰.
- ۱۶ - کار و کارگر، ۲۳ تیر ۱۳۷۹، ص ۹.
- ۱۷ - کیهان، ۳ بهمن ۱۳۷۳، ص ۳.
- ۱۸ - کیهان، ۱۶ تیر ۱۳۷۹، ص ۱۴.
- ۱۹ - کیهان، ۲۶ خرداد ۱۳۸۱، ص ۶.
- ۲۰ - صدای عدالت، ۹ اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۴.
- ۲۱ - میرابوالقاسمی، هادی، آب، امنیت، امکانات و آینده ما، آفتاب یزد، ۲۸ فروردین ۱۳۸۰، ص ۸.
- ۲۲ - همشهری، ۱ مرداد ۱۳۸۰، صص ۱۷، ۱۸.
- ۲۳ - همشهری، ۶ فروردین ۱۳۸۲، ص ۵.

ب - لاتین

- 1 - Abdulrazzak, M.J. (2001), *Integrated Approach to Water Resource Development and Management in the GCC Countries*, In Kamil A. Mahdi (ed.) *Water in the Arabian Peninsula: Problems and Policies*, Reading: Garnet Publishing.
- 2 - Afrasiabi, K. L. (1992), *After Khomeini: New Directions in Iran's Foreign Policy*. Boulder: Westview Press.
- 3 - Acharya, M. (1989). *U.S. Military Strategy in the Gulf: Origins and Evolution under the Carter and Reagan Administrations*. London: Routledge.
- 4 - Amuzegar, J. (1993), *Iran's Economy under the Islamic Republic*. London and New York.
- 5 - Brzezinski, Z. & Murphy R. (May/June 1997). Differentiated Containment. *Foreign Policy*,
- 6 - Cordesman, A.H. (1992), *The Iran - Iraq War and Western Security, 1984-1987: Strategic Implications and Policy Options*. London: Jane's

Publishing.

- 7 - Chubin, S. & Tripp, C. (1988). *Iran and Iraq at War*, London: I,B. Tauris.
- 8 - El-Shazly, N. E. (1998), *The Gulf Tanker War: Iran and Iraq's Maritime Swordplay*, London: Macmillan.
- 9 - Hajjar, S.G. (Fall 1997), Framing a Rogue: U.S.-Iran Relations in the Gulf. *Strategic Review*.
- 10 - Hunter, S. (1990), *Iran and the World: Continuity in a Revolutionary Decade*, Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.
- 11 - Hunter, S. (1991). Gulf Security: An Iranian Perspective. In Ahrari, M. E. (ed.). *The Gulf and International Security, the 1980s and Beyond*. New York: St. Martin's Press.
- 12 - Hunter, S. (1992), *Iran After Khomeini*, The Washington Papers no. 156, New York: Praeger.
- 13 - Khalilzad, Z. (1995), the United States and the Persian Gulf: Preventing Regional Hegemony. *Survival*. 37, 2.
- 14 - Khordagui, H. (2001), Prospects for Non-Conventional Water Resources in the Arabian Peninsula. In Kamil A. Mahdi, (ed.) *Water in the arabian Peninsula: Problems and Policies*. Reading: Garnet Publishing.
- 15 - Indyk, M. (1992), Watershed in the Middle East. *Foreign affairs*, 7, 1.
- 16 - Lake A. (1994), Confronting Backlash States. *Foreign Affairs*, vol. 72, no.3.
- 17 - Nonneman, G. (1988). *Iraq, the Gulf States and the War: Changing Relationships, 1980-1986 and beyond*. London: Ithaca Press.
- 18 - Rajace, F. (1983), *Islamic Values and world View: Khomeinin on Man, the State and International Politics*, American Values Projected Abroad, vol. 13, New York: University Press of America.

